

بر کارگران شرکت واحد چه گذشت ؟

(همراه چند نکته آموزشی در مورد چگونگی برخورد کارگران در زندان)

در پی اعتصاب کارگران شرکت واحد در ۸/۱۱/۸۴ و دستگیری گسترده کارگران، که به شکل های مختلف از بازداشت دسته جمعی کارگران در مناطق شرکت واحد گرفته تا هجوم به خانه های کارگران و گروگان گرفتن زن و فرزند برخی از آنان و شنودهای تلفنی و تعقیب و مراقبت و دستگیری در خیابان صورت گرفت و از شب قبل از اعتصاب تا چند روز پس از آن ادامه داشت، بیش از ۱۳۰۰ نفر از کارگران دستگیر شدند که فقط یک مورد آن بازداشت بیش از ۴۰۰ نفر از کارگران منطقه ۴ شرکت واحد بوده است. حجم دستگیری ها چنان گسترده بوده که در زندان اوین جا برای نگه داری دستگیرشدگان نبوده و بسیاری از آنان در جاهایی چون پادگان حشمتیه و حتی مسجد شرکت واحد زندانی شدند. بسیاری از دستگیرشدگان در همان روزهای اول بازداشت آزاد شدند. از این تعداد، جز حدود ۵۰ نفر که از ورودشان به مناطق جلوگیری می شود و تا کنون به سر کار بازنگشته اند، بقیه مشغول کار شده اند. هم چنین، برای ۴۶ تن از کارگران که اعضای هیئت مدیره و فعالان سندیکای کارگران هستند حکم خاتمه خدمت و در واقع اخراج صادر شده بی آن که این حکم حتی مراحل قانونی خود شرکت واحد را طی کرده باشد و بی آن که این حکم به خود کارگران ابلاغ شده باشد. جمع دیگری از کارگران دستگیر شده به تناوب و پس از تحمل کم و بیش حدود یک ماه زندان آزاد شدند. آخرین گروه آزادشدگان پس از اخذ وثیقه های ۲۰ میلیون تومانی (که ابتدا ۱۰۰ میلیون تومان تعیین شده بود اما با اصرار خانواده های کارگران به ۲۰ میلیون تغییر یافت) در روزهای ۲۷ و ۲۸ اسفند ۸۴ و اول فروردین ۸۵ از زندان بیرون آمدند : ابراهیم مددی و یعقوب سلیمی اعضای هیئت مدیره سندیکا روز ۲۷، منصور حیات غیبی و غلامرضا میرزایی و ابراهیم گوهری اعضای هیئت مدیره سندیکا و ستار امینی فعال فلزکارمکانیک روز ۲۸، و افشین بهرامی کارگر ایران خودرو روز اول فروردین. اما هنوز ۲۴ ساعت از آزادی منصور حیات غیبی نگذشته بود که او دوباره دستگیر شد و هم اکنون همراه منصور اسانلو که از ۸۴/۱۰/۱ (اعتصاب اول شرکت واحد) همچنان در اوین زندانی است، در زندان به سر می برد.

اما در زندان اوین چه گذشت ؟

کارگران در سلول های انفرادی بند ۲۰۹ (که زیر نظر اطلاعات است) زندانی بوده اند. پس از حدود ۲۰ روز تحمل سلول انفرادی، آنان را به صورت ۲ یا ۳ نفری به انفرادی های بزرگ تر منتقل کرده اند. در این سلول ها گاه زندانیان دیگر نیز در کنار کارگران بوده اند اما به هر حال

کارگران شرکت واحد در بندهای عمومی نبوده اند و نیستند. بازجویی ها و بازپرسی ها از همان زمان ورود کارگران به سلول انفرادی شروع شده است. کارگران را با چشم بند و رو به دیوار بازجویی می کرده اند. هر یک از کارگران چندین جلسه بازجویی داشته که تا همین اواخر و چند روز پیش از آزادی یعنی مدت ها پس از تفهیم اتهام ادامه داشته است. هر جلسه بازجویی چندین ساعت به درازا می کشیده است. بارها کارگران را در ساعات ۲ یا ۳ بعد از نیمه شب از خواب بیدار می کرده و به بازجویی می برده اند. بازجویی ها در مواردی همراه با توهین و تحقیر کارگران بوده است، که البته کارگران این اجازه را به بازجویان نمی داده و آنان را مجبور به عذرخواهی می کرده اند. برخی از کارگران، برای مثال علی زادحسین و یعقوب سلیمی، مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند. درمقابل، کارگران مورد ضرب و شتم قرار گرفته نیز به شکل های مختلف از خود دفاع کرده اند. یعقوب سلیمی از جمله کارگرانی بوده که وقتی مورد ضرب و شتم قرار گرفته چشم بند خود را کنار زده و با مشت و لگد به جان بازجو افتاده است. بعضی از کارگران را نیز مجبور می کرده اند که پیراهن و زیرپیراهن خود را درآورند و لبه شلوار خود را بالا بزنند و در چنین وضعیتی از آنان بازجویی می کرده اند. از جمله اتهام هایی که به کارگران زده اند "اقدام علیه امنیت ملی" و "تیلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی" بوده است. اما به رغم این "تفهیم" اتهام و محدودیتی که برای بازجو ایجاد می کند بازجویان هر سوالی که خواسته اند و ربطی به اتهام های فوق نداشته است از کارگران کرده اند و کارگران نیز اکثرا به سوال ها جواب داده اند. در اکثر موارد، تلاش بازجویان بر آن بوده که به کارگران القا کنند که از خارج کشور پول گرفته اند و اعتصاب آنان به تبعیت از گروه های سیاسی سرنگونی طلب بوده تا بتوانند آنان را با اتهام تفهیم نشده براندازی مرعوب و مجبور به ندامت از اعتصاب و دست کشیدن از مطالبات خود کنند. با آن که منصور اسانلو در یکی از همین سلول های ۲۰۹ زندانی است و کارگران صدای او را شنیده اند اما هیچ یک از کارگران او را ندیده است و از وضع او و اتهام هایی که به او زده اند خبر ندارد. حتی وکلای او نیز تا کنون نتوانسته اند وی را ببینند. اما، به رغم تمام این فشارها و با توجه به روحیه کارگران آزاد شده، یک نکته مسلم است و آن این که زندان نتوانسته روحیه کارگران را در هم شکند و آنان را از تعقیب خواسته هایشان بازدارد.

ما در آینده تحلیل خود از اعتصاب کارگران شرکت واحد و بررسی زمینه های سرکوب گسترده این اعتصاب را تا آن جا که به حرکت فعالان شرکت واحد مربوط می شود، ارائه خواهیم داد. اما در این جا به اشاره به چند نکته آموزشی در مورد چگونگی برخورد کارگران هنگام دستگیری و در زندان اکتفا می کنیم.

از آن جا که چه در مورد کارگران شرکت واحد و چه در مورد سایر فعالان کارگری که در سال های اخیر دستگیر و زندانی شده اند موارد بسیاری از ناآشنایی حتی با حقوق ابتدایی هر شهروند دیده می شود و بازجویان بر بستر سوء استفاده از همین ناآشنایی می توانند فعالان کارگری را به مجرای مورد نظر خود بکشانند و آنان را به دست کشیدن از خواسته های برحق خود وادارند، و از آن جا که جنبش کارگری به دلیل پاسخ نگرفتن مطالباتش همچنان رو به اعتلا می رود و ما در آینده باز هم شاهد دستگیری های هرچه بیشتر کارگران خواهیم بود، ذکر چند نکته را برای آشنا ساختن کارگران با حقوقی که حتی در قانون اساسی خود جمهوری اسلامی برای فرد زندانی به رسمیت شناخته شده است، ضروری می دانیم.

۱- بازداشت و هم چنین تفتیش خانه فقط با حکم کتبی قوه قضاییه که به امضای یک قاضی رسیده باشد امکان پذیر است و کارگرانی که بازداشت می شوند باید قبل از هر چیز این حکم را از ماموران بخواهند.

۲- موضوع اتهام باید بلافاصله و با ذکر دلیل به طور کتبی به فرد بازداشت شده ابلاغ شود و این فرد را تا قبل از تشکیل پرونده مقدماتی فقط حداکثر تا ۲۴ ساعت می توانند در زندان نگه دارند. اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی می گوید :

"هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود."

بنابراین کارگر بازداشتی به محض بازداشت می تواند اتهام خود را بپرسد و در صورتی که ظرف ۲۴ ساعت او را به دادگاه نفرستند به این امر اعتراض کند. واداشتن ماموران رژیم به ابلاغ اتهام این حسن را دارد که بازجو یا بازپرس یا قاضی را موظف می کند که فقط در چارچوب اتهام ابلاغ شده سوال کند و متهم می تواند به پرسشهایی که به موضوع اتهام مربوط نمی شوند پاسخ ندهد.

۳- بازجو، بازپرس، قاضی و هیچ یک از دیگر ماموران رژیم نمی توانند به زندانی توهین کنند. در اصل ۳۹ قانون اساسی آمده است :

"هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است."

بنابراین کارگر زندانی می تواند و باید به محض آن که بازجو یا بازپرس یا قاضی پا را از محدوده نزاکت و ادب فراتر نهد به او تذکر دهد و رعایت ادب را از آنان طلب کند.

۴- اصل ۳۸ قانون اساسی هرگونه شکنجه را ممنوع کرده است :

"هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود."

بنابراین کارگران می توانند و باید به مواردی چون ضرب و شتم، درآوردن لباس، زدن چشم بند، بازجویی رو به دیوار، نگه داری در سلول انفرادی که از مصادیق بارز شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع است اعتراض کنند و بازجویان را به رعایت قانون خودشان مجبور کنند.

۵- تفتیش عقیده ممنوع است. اصل ۲۳ قانون اساسی می گوید :

"تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد."

بنابراین کارگران می توانند به پرسش های عقیدتی بازجویان و بازپرسان و قضات در هر موردی از جمله اعتقاد یا عدم اعتقاد به خدا، اسلام، جمهوری اسلامی و... پاسخ ندهند و این پرسش ها را غیرقانونی اعلام کنند.

۶- یکی از شگردهای بازجویان در برخورد با فعالان کارگری این است که با کشاندن آنان به مجرای وابستگی و تعلق تشکیلاتی به گروه ها و سازمان های سرنگونی طلب و زدن اتهام برانداز به آنان فعالیت آن ها را به عنوان فعال کارگری منتفی کنند و تحت پوشش این که مطالبات کارگران براندازانه است صدای کارگران را خفه کنند و اجازه طرح مطالبات حق طلبانه کارگران را به آنان ندهند. در مقابل این شگرد، فعالان کارگری باید این دو مسئله را از هم تفکیک کنند و ضمن تاکید بر حق هر کارگر در داشتن هرگونه گرایش سیاسی از جمله گرایش سوسیالیستی اتهام براندازی را انکار کنند اما فعالیت به عنوان فعال کارگری را حق طبیعی و مسلم خود اعلام کنند.

این موارد را- نه فقط با استناد به قوانین جمهوری اسلامی بلکه با تکیه به اعلامیه جهانی حقوق بشر- می توان ادامه داد. اما تفصیل آن به بحث های بیشتری نیاز دارد که ما امیدواریم در آینده به آن بپردازیم.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۱۳۸۵/۱/۱۲

www.komiteyehamahangi.com
komiteye_hamahangi@yahoo.com